

حسین غلامی می گوید بازنشستگان نمی‌خواهند اموال و شرکتهای بانک رفاه و شستا به همین راحتی با یک امضای مقامات دولتی واگذار شود و از دست برود.

یک فعال صنفی مستقل بازنشستگان عنوان کرد:



حسین غلامی، فعال صنفی مستقل بازنشستگان گفت:

سال به سال قدرت خرید کارگران شاغل و بازنشسته در ایران کاهش یافته است.

به گزارش اسپادانا خبر، او در گفتگو با انتخاب گفت:

اولین مطالبه بازنشستگان تامین اجتماعی، مساله حقوق و مستمری است. حقوق بازنشستگان باید در سطح یک «رفاه نسبی» باشد. ما نمی‌گوییم رفاه کامل بلکه می‌گوییم رفاه نسبی که شاخص آن نیز بالای خط فقر بودن مستمری دریافتی است. خط فقر امروز بالای ده یا یازده میلیون تومان است. با یک محاسبه ساده می‌توان نشان داد که در طول سالها، قدرت خرید کارگران بازنشسته چقدر کاستی گرفته و امروز مستمری‌ها چقدر زیر خط فقر است. شما ۴ هزار تومان مستمری سال ۱۳۶۰ را در نظر بگیرید؛ اگر فرض کنیم هر سال تورم متوسط فقط ۲۲ درصد بوده یک ضرب نمایی ساده نشان می‌دهد که امروز اگر قرار باشد قدرت خرید همان ۴ هزار تومان را داشته باشیم، باید مستمری بازنشستگان چیزی حدود ۹ میلیون تومان باشد. پس برای اینکه کارگران بازنشسته امروز یک زندگی در سطح زندگی سال ۶۰ داشته باشند باید حداقل ۹ میلیون تومان دریافتی ماهانه داشته باشند. حالا شما حساب کنید با دستمزدی که یک سوم این میزان یعنی ۳ میلیون تومان است، چطور می‌توان یک «رفاه نسبی» داشت؟

حسین غلامی گفت:

همسان‌سازی در حوزه تامین اجتماعی، موضوعی غیرمرتبط و ناهمگن است؛ چون کشوری‌ها - چه شاغلان و چه بازنشستگان- گروه و پایه دارند و تمام افراد بر طبق همان گروه و پایه، حقوق می‌گیرند و بنابراین می‌توان «همترازی» را براساس دریافتی شاغلان هم طبقه اجرایی کرد اما در مورد بیمه شدگان تامین اجتماعی اینگونه نیست؛ سطح دستمزدها از این کارخانه تا آن کارخانه از زمین تا آسمان فرق می‌کند و گروه و طبقه یکسان و همگانی وجود ندارد؛ بنابراین «همترازی» ممکن نیست؛ با این حساب، برای بازنشستگان تامین اجتماعی، چیزی که اهمیت دارد نه همسان‌سازی ساختگی بلکه افزایش قانونی مزد و مستمری است؛ ما قانون بالادستی هم در این زمینه داریم، ماده ۴۱ قانون کار و ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی؛ این مواد قانونی اگر به درستی و کامل اجرا شوند، یعنی مزد و مستمری به اندازه سبب هزینه‌های زندگی افزایش یابند دیگر نیازی به اجرای طرح‌های ابر و نامنسجمی مانند همسان‌سازی نیست؛ در واقع چون به قانون اعتنا نکرده بودند و مستمری را به اندازه هزینه‌ها افزایش نداده بودند، در جهت کاستن از اعتراضات کارگران بازنشسته، طرحی نامفهوم، خام و غیرمرتبط به نام همسان‌سازی را در دستور کار قرار دادند و خودشان هم اعتراف کردند که این همسان‌سازی، همسان‌سازی نیست، بلکه متناسب‌سازی است.

او گفت:

در بحث درمان نیز کاستی‌ها و نارسایی‌های بسیار وجود دارد. در ایران چیزی حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد هزینه‌های درمان به عهده بیمار است درحالیکه متوسط جهانی این شاخص، ۱۸ درصد است. یعنی در جهان به طور متوسط ۱۸ درصد هزینه‌های درمان، به عهده خود بیمار است؛ در اروپا این شاخص، ۱۱ درصد است و در کشورهایی که دولت رفاه قدرتمند دارند، این شاخص چیزی حدود ۸ درصد است. آقای حسن هاشمی، وزیر بهداشت وقت در سال ۹۶ گفت سالی ۷۰۰ هزار نفر در ایران به دلیل سنگینی هزینه‌های درمان، به زیر خط فقر سقوط می‌کنند. الان این تعداد حتماً به یک میلیون نفر رسیده است. استانداردهای جهانی نشان می‌دهد که اگر بیش از ۴۰ درصد هزینه‌های درمان به عهده بیمار باشد، سقوط به زیر خط فقر اتفاق می‌افتد؛ ما ۷۰ درصد هزینه‌هایمان به عهده بیمار است یعنی ۱.۸ برابر استاندارد جهانی برای سقوط به زیر خط فقر. ما مواد قانونی داریم که کلیه هزینه‌های درمان کارگران بایستی رایگان ارائه شود. ماده ۳ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۶۹ (قانون الزام) می‌گوید درمان کارگران باید رایگان باشد. ماده ۳۸ قانون پنجم توسعه نیز بر لزوم ارائه درمان رایگان تاکید دارد. خود قانون اساسی در اصل ۲۹، برخورداری از بیمه همگانی و خدمات درمانی و بهداشتی رایگان را یک حق مسلم شهروندی می‌داند. پس درمان رایگان، یک مطالبه کلیدی و صد درصد قانونی است که متأسفانه تا امروز، نه تنها برآورده نشده بلکه سال به سال و ماه به ماه، هزینه‌های درمان کارگران و بازنشستگان افزایش یافته است.

او اظهار کرد:

بازنشستگان باید بتوانند در اداره اموال و دارایی‌های خود، دخیل باشند؛ نباید دولت به تنهایی اداره اموال کارگران و بازنشستگان را برعهده داشته باشند؛ بازنشستگان نمی‌خواهند اموال و شرکتهای بانک رفاه و شستا به همین راحتی با یک امضای مقامات دولتی، واگذار شود و از دست برود. ما خواستار اجرای قانون نظام جامع ساختار در صندوق‌های بازنشستگی هستیم. ما خواستار لغو مدیریت دولتی سازمان هستیم و اعتقاد داریم سازمان باید توسط ذینفعان اصلی خود اداره شود. علاوه بر این، ما خواستار «غیردولتی شدن کانون‌های بازنشستگی» هستیم؛ در حال حاضر، بازنشستگان تشکلهای مستقل و کارآمد ندارند و نمی‌توان گفت کانون‌های بازنشستگی، دقیقاً برآمده از بطن جامعه بازنشستگان و نماینده واقعی این جامعه هستند. در تهران، ۱۳۰ هزار بازنشسته و مستمری‌بگیر تامین اجتماعی داریم اما مجامع عمومی کانون‌ها، گاهی با کمتر از دو هزار نفر برگزار می‌شود. بنابراین باید تشکلهای بازنشستگان، مستقل و برآمده از بدنه بازنشستگان باشد. تا تشکل صنفی، مستقل و کارآمد و کاملاً دموکراتیک نباشد، نمی‌توان به مطالبه‌گری قدرتمند و کنشگری متحد و منتج به نتیجه مطلوب، امیدوار بود؛ باید به سمتی برویم که بازنشستگان در تشکلهای، مشارکت لاقفل ۴۰ یا ۵۰ درصدی داشته باشند.

برچسب‌ها: [حقوق و دستمزد](#) [1]

[بازنشستگان](#) [2]